

جزء سیزدهم

این جزء از آیه 53 سوره یوسف آغاز و تا آیه 52 سوره ابراهیم ادامه دارد.

در این جزء بخشی از سوره یوسف ، سوره رعد کامل، و سوره ابراهیم کامل قرار دارد.

ahlolbait.com

وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي ^ج إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ
رَبِّي ^ج إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٣﴾

من خود را از گناه تبرئه نمی‌کنم؛ زیرا نفس طغیان‌گر، بسیار به
بدی فرمان می‌دهد مگر زمانی که پروردگارم رحم کند؛ زیرا
پروردگارم بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵۳)

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ اَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ
اِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ اَمِينٌ ﴿٥٤﴾

و پادشاه گفت: یوسف را نزد من آورید تا او را برای کارهای خود
برگزینم. پس هنگامی که با یوسف سخن گفت به او اعلام کرد: تو
امروز نزد ما دارای منزلت و مقامی و [در همه امور] امینی. (۵۴)

قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ ۚ إِنِّي حَفِيظٌ
عَلِيمٌ ﴿٥٥﴾

یوسف گفت: مرا سرپرست خزانہ‌های این سرزمین قرار ده؛
زیرا من نگهبان دانایی هستم. (۵۵)

وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ^ج
 نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ^ط وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ
 الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾

این گونه یوسف را در [آن] سرزمین مکانت و قدرت دادیم که هر
 جای آن بخواهد اقامت نماید. رحمت خود را به هر کس که
 بخواهیم می‌رسانیم و پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کنیم. (۵۶)

وَلَا جُزْءَ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٧﴾

و یقیناً پاداش آخرت برای کسانی که ایمان آورده‌اند و همواره
پرهیزکاری می‌کردند، بهتر است. (۵۷)

وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ
مُنْكَرُونَ ﴿٥٨﴾

و برادران یوسف [با روی آوردن خشکسالی به کنعان، جهت تهیه
آذوقه به مصر] آمدند و بر او وارد شدند. پس او آنان را شناخت
و آنان او را نشناختند. (۵۸)

وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ قَالَ ائْتُونِي بِأَخٍ لَّكُمْ مِنْ آبَائِكُمْ^ج
 أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ﴿٥٩﴾

و هنگامی که زاد و توشه آنان را در اختیارشان قرار داد، گفت: برادر
 پدری خود را نزد من آورید، آیا نمی بینید که من پیمانه را کامل و تمام
 می پردازم و بهتر از هر کس مهمانداری می کنم؟ (۵۹)

فَإِنْ لَمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ ﴿٦٠﴾

پس اگر او را نزد من نیاورید، هیچ پیمانہ ای پیش من ندارید
و نزدیک من نیایید۔ (۶۰)

قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ ﴿٦١﴾

گفتند: می‌کوشیم رضایت پدرش را به آوردن او جلب کنیم،
و یقیناً این کار را انجام خواهیم داد. (۶۱)

وَقَالَ لِفَتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ
يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٦٢﴾

و [یوسف] به کارگزاران و گماشتگانش گفت: اموالشان را [که در برابر دریافت آذوقه پرداختند] در بارهایشان بگذارید، امید است وقتی به خاندان خود برگشتند آن را بشناسند، باشد که دوباره برگردند. (۶۲)

فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ
فَأَرْسِلْ مَعَنَا آخَانًا نَّكَتِلْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٦٣﴾

پس هنگامی که به سوی پدرشان بازگشتند، گفتند: ای پدر! پیمانه
از ما منع شد، پس برادرمان را با ما روانه کن تا پیمانه بگیریم،
یقیناً ما او را حفظ خواهیم کرد. (۶۳)

قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنْتُكُمْ عَلَى أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ^ط
 فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا^ط وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿٦٤﴾

گفت: آیا همان گونه که شما را پیش از این نسبت به برادرش امین پنداشتم،
 درباره او هم امین پندارم؟ [من به مراقبت و نگهبانی شما امید ندارم] پس
 خدا بهترین نگهبان است و او مهربان ترین مهربانان است. (۶۴)

وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا
يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا
وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزِدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ ﴿٦٥﴾

و هنگامی که کالایشان را گشودند، دیدند اموالشان را به آنان بازگردانده‌اند، گفتند: ای پدر! [بهتر از این] چه می‌خواهیم؟ این اموال ماست که به ما بازگردانده و ما [دوباره با همین اموال] برای خانواده خود آذوقه می‌آوریم و برادرمان را حفظ می‌کنیم، و بار شتری اضافه می‌کنیم و آن [بار شتر از نظر عزیز که مردی کریم است] باری ناچیز است. (۶۵)

قَالَ لَنْ أَرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّى تُؤْتُوا مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ ۖ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٦٦﴾

گفت: برادران را همراه شما [به مصر] نمی‌فرستم تا اینکه پیمان محکمی از خدا به من بسپارید که او را حتماً به من بازگردانید، مگر اینکه [به سبب بسته شدن همه راه‌ها به روی شما] نتوانید. پس هنگامی که پیمان استوارشان را به پدر سپردند، گفت: خدا بر آنچه می‌گوییم، وکیل است. (۶۶)

وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ
مُتَفَرِّقَةٍ ۖ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۚ إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ ۖ
عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ۖ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٦٧﴾

و گفت: ای پسرانم! [در این سفر] از یک در وارد نشوید بلکه از درهای متعدد وارد
شوید، و البته من [با این تدبیر] نمی توانم هیچ حادثه ای را که از سوی خدا برای شما
رقم خورده از شما برطرف کنم، حکم فقط ویژه خداست، [تنها] بر او توکل کرده ام، و
[همه] توکل کنندگان باید به خدا توکل کنند. (۶۷)

وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ
 مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا ۚ وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ
 لِمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦٨﴾

هنگامی که فرزندان یعقوب از آنجایی که پدرشان دستور داده بود، وارد شدند، تدبیر یعقوب نمی توانست هیچ حادثه ای را که از سوی خدا رقم خورده بود، از آنان برطرف کند جز خواسته ای که در دل یعقوب بود [که فرزندان به سلامت و دور از چشم زخم وارد شوند] که خدا آن را به انجام رساند، یعقوب به سبب آنکه تعلیمش داده بودیم از دانشی [ویژه] برخوردار بود ولی بیشتر مردم [که فقط چشمی ظاهری دارند، این حقایق را] نمی دانند. (۶۸)

وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ ۖ قَالَ إِنِّي أَنَا
أَخُوكَ فَلَا تَبْتَسِ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦٩﴾

و هنگامی که بر یوسف وارد شدند، برادر [مادری] ش را کنار خود جای داد،
گفت: بی تردید من برادر تو هستم، بنابراین بر آنچه آنان همواره انجام
می دادند [و من برای تو فاش کردم] اندوهگین مباش. (۶۹)

فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ
أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَتَيْتُهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ ﴿٧٠﴾

پس هنگامی که بارشان را آماده کرد، آبخوری [پادشاه] را در بار
برادرش گذاشت. سپس ندا دهنده ای بانگ زد: ای کاروان! یقیناً
شما دزد هستید! (۷۰)

قَالُوا وَاقْبَلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقِدُونَ ﴿٧١﴾

کاروانیان روی به گماشتگان کردند و گفتند: چه چیزی گم

کرده‌اید؟ (۷۱)

قَالُوا نَفَقْدُ صُورَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ
زَعِيمٌ ﴿٧٢﴾

گفتند: آبخوری شاه را گم کرده ایم و هر کس آن را بیاورد،
یک بار شتر مژدگانی اوست و من ضامن آن هستم. (۷۲)

قَالُوا تَاللّٰهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا
سَارِقِينَ ﴿٧٣﴾

گفتند: به خدا سوگند شما به خوبی دانستید که ما نیامده ایم
در این سرزمین فساد کنیم، و هیچ گاه دزد نبوده ایم. (۷۳)

قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ ﴿٧٤﴾

گماشتگان گفتند: اگر شما دروغگو باشید [و سارق در میان

شما یافت شود] کیفرش چیست؟ (۷۴)

قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ ۚ كَذَلِكَ
نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٧٥﴾

گفتند: کسی که آبخوری در بار و بنه اش پیدا شود، کیفرش خود
اوست [که به غلامی گرفته شود]. ما ستمکاران را [در کنعان] به
همین صورت کیفر می دهیم. (۷۵)

فَبَدَأَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ^ج
 كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ^ط مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ
 يَشَاءَ اللَّهُ^ع نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَّشَاءُ^ق وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ

عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾

پس [یوسف] پیش از [بررسی] بارِ برادرش، شروع به [بررسی] بارهای [دیگر] برادران کرد، آن گاه آبخوری پادشاه را از بارِ برادرش بیرون آورد. ما این گونه برای یوسف چاره اندیشی نمودیم؛ زیرا او نمی توانست بر پایه قوانین پادشاه [مصر] برادرش را بازداشت کند مگر اینکه خدا بخواهد [بازداشت برادرش از راهی دیگر عملی شود]. هر که را بخواهیم [به] درجاتی بالا می بریم و برتر از هر صاحب دانشی، دانشمندی است. (۷۶)

قَالُوا إِن يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا
يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ ۚ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا ۖ وَاللَّهُ
أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ﴿٧٧﴾

برادران گفتند: اگر این شخص دزدی می کند [خلاف انتظار نیست]؛ زیرا پیش تر برادر [ی داشت که] او هم دزدی کرد. یوسف [به مقتضای کرامت و جوانمردی] این تهمت را در دل خود پنهان داشت و نسبت به آن سخنی نگفت و این راز را فاش نساخت. در پاسخ آنان گفت: منزلت شما بدتر [و دامنجان آلوده تر از این] است [که ظاهران نشان می دهد] و خدا به آنچه بیان می کنید، داناتر است. (۷۷)

قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا
مَكَانَهُ ۖ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٧٨﴾

گفتند: ای عزیز! او را پدری سالخورده و بزرگوار است، پس یکی
از ما را به جای او بازداشت کن، بی تردید ما تو را از نیکوکاران
می بینیم. (۷۸)

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذَا
لظَالِمُونَ ﴿٧٩﴾

گفت: پناه بر خدا از اینکه بازداشت کنیم مگر کسی را که متاع خود را
نزد وی یافته ایم، که در این صورت ستمکار خواهیم بود. (۷۹)

فَلَمَّا اسْتِیَاسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا ۖ قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ
أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْتِقًا مِنَ اللَّهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي
يُوسُفَ ۖ فَلَنْ أُبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّىٰ يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ
لِي ۖ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿۸۰﴾

پس هنگامی که از عزیز مایوس شدند، در کناری [با یکدیگر] به گفتگوی پنهان پرداختند.
بزرگشان گفت: آیا ندانستید که پدرتان از شما پیمان استوار خدایی گرفت و پیش تر هم درباره
یوسف کوتاهی کردید، بنابراین من هرگز از این سرزمین بیرون نمی آیم تا پدرم به من اجازه
دهد، یا خدا درباره من حکم کند؛ و او بهترین حکم کنندگان است. (۸۰)

ارْجِعُوا إِلَىٰ أَبِيكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا
شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ ﴿٨١﴾

شما به سوی پدرتان بازگردید، پس به او بگویید: ای پدر! بدون شک
پسرت دزدی کرد، و ما جز به آنچه دانستیم گواهی ندادیم و حافظ و
نگهبان نهان هم [که در آن چه اتفاقی افتاده] نبودیم. (۸۱)

وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا
لَصَادِقُونَ ﴿٨٢﴾

حقیقت را از شهری که در آن بودیم [و در و دیوارش گواه است] و
از کاروانی که با آن آمدیم پرس؛ و یقیناً ما راستگوییم. (۸۲)

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا ۖ فَصَبْرٌ جَمِيلٌ ۖ عَسَىٰ
 اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا ۚ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٨٣﴾

[برادران پس از بازگشت به کنعان، ماجرا را برای پدر بیان کردند، یعقوب] گفت: [نه
 چنین است که می گوید] بلکه نفوس شما کاری [زشت] را در نظرتان آراست [تا
 انجامش بر شما آسان شود] پس من بدون جزع و بیتابی شکیبایی می ورزم، امید است
 خدا همه آنان را پیش من آرد؛ زیرا او بی تردید، دانا و حکیم است. (۸۳)

وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسَفَى عَلَى يُوسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ
مِنَ الْحُزَنِ فَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٨٤﴾

و از آنان کناره گرفت و گفت: دریغا بر یوسف! و در حالی که
از غصّه لبریز بود دو چشمش از اندوه، سپید شد. (۸۴)

قَالُوا تَاللّٰهِ تَفْتَأُ تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ
مِنَ الْهَالِكِينَ ﴿٨٥﴾

گفتند: به خدا آن قدر از یوسف یاد می کنی تا سخت ناتوان
شوی یا جانت را از دست بدهی. (۸۵)

قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا
تَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾

گفت: شکوه اندوه شدید و غم و غصه ام را فقط به خدا
می برم و از خدا می دانم آنچه را که شما نمی دانید. (۸۶)

يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُّوا
مِنْ رَوْحِ اللَّهِ ۖ إِنَّهُ لَا يَيَّسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ
الْكَافِرُونَ ﴿٨٧﴾

ای پسرانم! بروید آن گاه از یوسف و برادرش جستجو کنید و از
رحمت خدا مأیوس نباشید؛ زیرا جز مردم کافر از رحمت خدا
مأیوس نمی شوند. (۸۷)

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ
وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا^ط
إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ ﴿٨٨﴾

پس هنگامی که بر یوسف وارد شدند، گفتند: عزیزا! از سختی [قحطی و خشکسالی]
به ما و خانواده ما گزند و آسیب رسیده و [برای دریافت آذوقه] مال ناچیزی آورده ایم،
پس پیمانه ما را کامل بده و بر ما صدقه بخش؛ زیرا خدا صدقه دهندگان را پاداش
می دهد. (۸۸)

قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ
جَاهِلُونَ ﴿٨٩﴾

گفت: آیا زمانی که نادان بودید، دانستید با یوسف و برادرش
چه کردید؟ (۸۹)

قَالُوا إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ ۖ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي ۖ قَدْ
مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا ۖ إِنَّهُ مَن يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ
أَجَرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٠﴾

گفتند: شگفتا! آیا تو خود یوسفی؟! گفت: من یوسفم و این برادر من است، همانا خدا
بر ما منت نهاده است؛ بی تردید هر کس پرهیزکاری کند و شکیبایی ورزد، [پاداش
شایسته می یابد]؛ زیرا خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند. (۹۰)

قَالُوا تَاللّٰهِ لَقَدْ آثَرَكَ اللّٰهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ ﴿٩١﴾

گفتند: به خدا سوگند یقیناً که خدا تو را بر ما برتری بخشید و

به راستی که ما خطاکار بودیم. (۹۱)

قَالَ لَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ
الرَّاحِمِينَ ﴿٩٢﴾

گفت: امروز هیچ ملامت و سرزنشی بر شما نیست، خدا
شما را می آمرزد و او مهربان ترین مهربانان است. (۹۲)

اَذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَاَلْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا
وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٣﴾

این پیراهنم را ببرید، و روی صورت پدرم بیندازید، او بینا
می شود و همه خاندانتان را نزد من آورید. (۹۳)

وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ ^ط
لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ ﴿٩٤﴾

و زمانی کہ کاروان [از مصر] رهسپار [کنعان] شد، پدرشان گفت: بی
تردید، بوی یوسف را می یابم اگر مرا سبک عقل ندانید. (۹۴)

قَالُوا تَاللّٰهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ ﴿٩٥﴾

گفتند: به خدا سوگند تو در همان خطا و گمراهی دیرینت هستی. (۹۵)

فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا ۖ قَالَ
 أَلَمْ أَقُلْ لَّكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾

پس هنگامی که مژده رسان آمد، پیراهن را بر صورت او افکند و او
 دوباره بینا شد، گفت: آیا به شما نگفتم که من از خدا حقایقی
 می دانم که شما نمی دانید؟ (۹۶)

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ﴿٩٧﴾

گفتند: ای پدر! آمرزش گناهانمان را بخواه، بی تردید ما

خطاکار بوده ایم. (۹۷)

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ
الرَّحِيمُ ﴿٩٨﴾

گفت: برای شما از پروردگارم درخواست آمرزش خواهم
کرد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است. (۹۸)

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَبْوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا
مِصْرَ إِنِّي شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ ﴿٩٩﴾

پس زمانی که بر یوسف وارد شدند، پدر و مادرش را کنار خود
جای داد و گفت: همگی با خواست خدا [آسوده خاطر و] در
کمال امنیت وارد مصر شوید. (۹۹)

وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا ۖ وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ
رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ ۖ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا ۖ وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ
السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ
إِخْوَتِي ۚ إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ ۚ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿١٠٠﴾

و پدر و مادرش را بر تخت بالا برد و همه برای او به سجده افتادند و گفت: ای پدر! این تعبیر خواب پیشین من است که پروردگارم آن را تحقق داد، و یقیناً به من احسان کرد که از زندان رهایم بخشید، و شما را پس از آنکه شیطان میان من و برادرانم فتنه انداخت، از آن بیابان نزد من آورد، پروردگارم برای هر چه بخواهد با لطف برخورد می کند؛ زیرا او دانا و حکیم است. (۱۰۰)

رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ
 فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا
 وَالْآخِرَةِ ۖ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿١٠١﴾

پروردگارا! تو بخشی از فرمانروایی را به من عطا کردی و برخی از تعبیر خواب‌ها را به من آموختی. ای پدید آورنده آسمان‌ها و زمین! تو در دنیا و آخرت سرپرست و یار منی در حالی که تسلیم [فرمان‌های تو] باشم جانم را بگیر، و به شایستگان ملحقم کن.

(۱۰۱)

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ
أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ ﴿١٠٢﴾

این از سرگذشت‌های پرفایده غیب است که به تو وحی می‌کنیم،
و تو هنگامی که آنان در کارشان تصمیم گرفتند و [برای انجامش]
نیرنگ می‌کردند، نزدشان نبودی. (۱۰۲)

وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾

بیشتر مردم هر چند رغبت شدید [به ایمان آوردنشان] داشته

باشی، ایمان نمی آورند. (۱۰۳)

وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۚ إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ
لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٤﴾

و در حالی که هیچ پاداشی [در برابر ابلاغ قرآن] از آنان
نمی‌خواهی، این [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست. (۱۰۴)

وَكَايْنِ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا
وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ ﴿١٠٥﴾

و [برای هدایت مردم] در آسمان‌ها و زمین چه بسیار نشانه‌هاست
که [در غفلت و بی خبری] بر آنها می‌گذرند در حالی که از آنها
روی می‌گردانند. (۱۰۵)

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ ﴿١٠٦﴾

و بیشترشان به خدا ایمان نمی آورند مگر آنکه [برای او]

شریک قرار می دهند. (۱۰۶)

أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ
بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٠٧﴾

آیا ایمنند از اینکه فراگیرنده ای از عذاب خدا بیایدشان، یا
ناگاه قیامت در حالی که نمی فهمند بر آنان فرارسد؟ (۱۰۷)

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي ۖ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٨﴾

بگو: این طریقه و راه من است که من و هر کس پیرو من است بر پایه بصیرت و بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم، و خدا از هر عیب و نقصی منزّه است و من از مشرکان نیستم. (۱۰۸)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ ۖ^ق
 أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ
 قَبْلِهِمْ ۖ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا ۖ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠٩﴾

و پیش از تو [بخاطر هدایت مردم] جز مردانی از اهل آبادی‌ها را که به آنان وحی می نمودیم
 نفرستادیم. آیا [مخالفان حق] به گردش و سفر در زمین نرفتند تا با تأمل بنگرند که عاقبت
 کسانی که پیش از آنان بودند [و از روی کبر و عناد به مخالفت با حق برخاستند] چگونه بود؟
 و مسلماً سرای آخرت برای کسانی که پرهیزکاری کردند، بهتر است؛ آیا نمی اندیشید؟ (۱۰۹)

حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ
 نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ ۖ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ
 الْمُجْرِمِينَ ﴿١١٠﴾

[پیامبران، مردم را به خدا خواندند و مردم هم حق را منکر شدند] تا زمانی که پیامبران [از ایمان آوردن اکثر مردم] مأیوس شدند و گمان کردند که به آنان [از سوی مردم در وعده یاری و حمایت] دروغ گفته شده است. [ناگهان] یاری ما به پیامبران رسید؛ پس کسانی را که خواستیم رهایی یافتند و عذاب ما از گروه مجرمان برگردانده نمی‌شود. (۱۱۰)

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۚ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١١١﴾

به راستی در سرگذشت آنان عبرتی برای خردمندان است. [قرآن] سخنی نیست که به دروغ بافته شده باشد، بلکه تصدیق کننده کتاب‌های آسمانی پیش از خود است و بیان گر هر چیز است و برای مردمی که ایمان دارند، سراسر هدایت و رحمت است. (۱۱۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْمَرْجُوعُ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ
 الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

المر این آیات [با عظمت] کتاب [الهی] است، و آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده، سراسر حق و راستی است [چنان حقی که هیچ باطلی در آن راه ندارد] ولی بیشتر مردم [به سبب عناد و لجاجت] ایمان نمی آورند. (۱)

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ۖ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى
 الْعَرْشِ ۖ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۖ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ
 يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ ﴿٢﴾

خداست که آسمان‌ها را بدون پایه‌هایی که آنها را ببینید، برافراشت، آن گاه بر تخت
 فرمانروایی [و حکومت بر آفرینش] چیره و مسلط شد، و خورشید و ماه را رام و مسخر
 ساخت، که هر کدام تا زمان معینی روانند، کار [جهان و جهانیان] را تدبیر می‌کند،
 نشانه‌ها [ی قدرت و حکمتش] را [در پهنه آفرینش] به روشنی بیان می‌کند تا شما به دیدار
 [قیامت و محاسبه شدن اعمال به وسیله] پروردگارتان یقین کنید. (۲)

وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا^ط
وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ^ط يُغْشِي اللَّيْلَ
النَّهَارَ^ج إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٣﴾

و اوست که زمین را گسترانید، و در آن کوههایی استوار و نهرهایی پدید آورد و در آن از همه محصولات و میوه‌ها جفت دوتایی [که نر و ماده است] قرار داد، شب را به روز می‌پوشاند، [تا ادامه حیات برای همه نباتات و موجودات زنده ممکن باشد]؛ یقیناً در این امور برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی [بر توحید، ربوبیت و قدرت خدا] ست. (۳)

وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ
وَنَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَغَيْرُ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِضَلُ
بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ

يَعْقِلُونَ ﴿٤﴾

در زمین قطعه‌هایی مختلف و گوناگون، و باغ‌هایی از انگور و کشتزار و درختان خرمايي است که بر یک ریشه و غیر یک ریشه [می رویند]. ما برخی از آنان را در میوه و محصول با آنکه از یک آب سیراب می‌شوند بر برخی دیگر برتری می‌دهیم. بی تردید در این امور برای مردمی که تعقل می‌کنند، نشانه‌هایی [بر توحید، ربوبیت و قدرت خدا] ست. (۴)

وَإِنْ تَعَجَبُ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ إِذَا كُنَّا تُرَابًا إِنَّا لَفِي خَلْقٍ
جَدِيدٍ ۖ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ ۖ وَأُولَٰئِكَ الْأَغْلَالُ فِي
أَعْنَاقِهِمْ ۖ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٥﴾

اگر بخواهی تعجب کنی، پس تعجب از گفتار منکران لجوج است که [بدون توجه به قدرت خدا که آنان را از خاک پدید آورد، می گویند]: آیا ما هنگامی که [پس از مردن] خاک شدیم، به راستی در آفرینش جدیدی خواهیم بود؟! اینانند که به پروردگارشان کافر شدند، و اینانند که در گردنشان بندها و زنجیرها [ی گمراهی در دنیا و عذاب در آخرت] است، و اینان اهل آتش اند و در آن جاودانه اند. (۵)

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ
 الْمَثَلَاتُ^ق وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ^ط وَإِنَّ
 رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٦﴾

و از تو [بر پایه تمسخر، استهزا، جهل و نادانی] پیش از [درخواست] خیر و خوشی
 تقاضای شتاب در [فرود آمدن] عذاب می کنند، [اینان گمان می کنند که عذاب ها و
 مجازات های الهی دروغ است] با اینکه پیش از آنان عذاب ها و عقوبت های عبرت آموز
 [بر کافران و منکران] گذشته است و قطعاً پروردگارت نسبت به مردم با ظلم و ستمی که
 می کنند صاحب آمرزش است، و مسلماً پروردگارت سخت کیفر است. (۶)

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا
 أَنْتَ مُنْذِرٌ ط وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ﴿٧﴾

و کافران می گویند: چرا از سوی پروردگارش معجزه ای [غیر قرآن] بر او نازل نشده؟ تو فقط بیم دهنده ای [نه اعجاز کننده ای که هر زمان هر کس و برای هر هدفی غیر منطقی بخواهد، دست به اعجاز بزنی] و برای هر قومی هدایت کننده ای است. (۷)

اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا
تَزْدَادُ ۖ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ ﴿٨﴾

خدا [حالات، صفات و زمان ولادت] جنین‌هایی را که هر انسان و حیوان
ماده ای آبستن است، و آنچه را رحم‌ها [از زمان طبیعی حمل] می‌کاهند و
آنچه را می‌افزایند، می‌داند؛ و هر چیزی نزد او اندازه معینی دارد. (۸)

عَالَمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ ﴿٩﴾

دانای نهان و آشکار و بزرگ و بلند مرتبه است. (۹)

سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ
مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ ﴿١٠﴾

[برای او] یکسان است که کسی از شما گفتارش را پنهان کند یا آشکار سازد، و کسی مخفیانه در دل شب حرکت نماید یا در روز راه پیماید. (۱۰)

لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِمَّنْ أَمَرِ اللَّهُ قُلْ إِنَّ
 اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ قُلْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ
 بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ ۚ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ ﴿١١﴾

برای انسان از پیش رو و پشت سر، مأمورانی است که همواره او را به فرمان خدا [از
 آسیب‌ها و گزندها] حفظ می‌کنند. یقیناً خدا سرنوشت هیچ ملتی را [به سوی بلا، نکبت،
 شکست و شقاوت] تغییر نمی‌دهد تا آنکه آنان آنچه را [از صفات خوب و رفتار شایسته و
 پسندیده] در وجودشان قرار دارد به زشتی‌ها و گناه تغییر دهند. و هنگامی که خدا نسبت به
 ملتی آسیب و گزند بخواهد [برای آن آسیب و گزند] هیچ راه بازگشتی نیست؛ زیرا برای
 آنان جز خدا هیچ یابوری نخواهد بود. (۱۱)

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْشِئُ السَّحَابَ
الثَّقَالَ ﴿١٢﴾

اوست که برق [جهنده را از میان قطعه‌های ابر] که مایه ترس و
امید است، به شما نشان می‌دهد، و ابرهای سنگین بار را پدید
می‌آورد. (۱۲)

وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ
الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ
وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ ﴿١٣﴾

و رعد، همراه با ستایش خدا تسبیح می گوید و فرشتگان نیز از بیمش [تسبیح می گویند]، و صاعقه ها را می فرستد و به وسیله آن به هر کس بخواهد آسیب می رساند، در حالی که اینان [با مشاهده این همه آثار قدرت که صادر شده از خدای یکتاست، باز هم] درباره خدا مجادله و ستیز می کنند در صورتی که خدا [دارای قدرتی بی نهایت و] سخت کیفر است. (۱۳)

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ
لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطٍ كَفِّهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ
بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿١٤﴾

دعوت حق [که اجابتش مایه سعادت دنیا و آخرت است] فقط ویژه خداست. و کسانی را که مشرکان به جای خدا می خوانند، چیزی [از درخواست ها و نیازهایشان را] برای آنان برآورده نمی کنند [درخواست این بی خردان از بتان بی جان و جاندار نیست] مگر مانند کسی که دو دستش را به سوی آبی [که با آن فاصله زیادی دارد] می گشاید تا آب به دهانش برسد و حال آنکه هرگز نخواهد رسید، و دعا و درخواست کافران [از غیر خدا] جز در گمراهی و تباهی [که به نتیجه و هدف نمی رسد] نیست. (۱۴)

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا
وَضِلَالًا لَهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿١٥﴾

کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، از روی میل و رغبت یا بی
میلی و کراهت و نیز سایه‌هایشان بامداد و شام گاه برای خدا
سجده می‌کنند. (۱۵)

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ ۚ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ
 أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا ۚ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى
 وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ ۚ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ
 خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ ۚ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ
 الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿١٦﴾

[به مشرکان] بگو: پروردگار آسمان‌ها و زمین کیست؟ [خود بی درنگ] بگو: خدای
 یکتاست. بگو: آیا سرپرستان و معبودانی به جای او انتخاب کرده‌اید که اختیار هیچ سود و
 زیانی را برای خودشان ندارند [چه رسد برای شما؟] بگو: آیا نابینا و بینا یکسانند یا تاریکی
 و نور برابرند؟ یا آنان شریکانی برای خدا قرار دادند [به خیال آنکه] مانند آفرینش خدا
 چیزی آفریده‌اند، آن گاه آفریده خدا و آفریده شریکان بر آنان مشتبّه شده؟ بگو: آفریننده
 همه چیز فقط خداست و تنها او یکتای پیروز است. (۱۶)

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا
 رَابِيًا ۚ وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهٗ ۚ
 كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ ۚ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً ۖ وَأَمَّا مَا
 يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ ۚ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ ﴿١٧﴾

خدا از آسمان آبی نازل کرد که در هر درّه و رودی به اندازه گنجایش و وسعتش [سیلابی] جاری شد، سپس سیلاب، کفی پُف کرده را به روی خود حمل کرد، و نیز از فلزاتی که برای به دست آوردن زینت و زیور یا کالا و متاع، آتش بر آن می افروزند، کفی پُف کرده مانند سیلاب بر می آید؛ این گونه خدا حق و باطل را [به امور محسوس] مَثَل می زند. اما آن کفِ [روی سیل و روی فلز گداخته در حالی که کناری رفته] به حالتی متلاشی شده از میان می رود، و اما آنچه [چون آب و فلز خالص] به مردم سود می رساند، در زمین می ماند. خدا مَثَل ها را این گونه بیان می کند [تا مردم در همه امور حق را از باطل بشناسند.] (۱۷)

لِّلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَىٰ ۖ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ
لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ ۖ أُولَٰئِكَ لَهُمْ
سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٨﴾

برای آنان که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند، بهترین سرانجام است؛ و آنان که
دعوت او را پاسخ نگفتند، اگر مالک دو برابر همه آنچه روی زمین است باشند، بی
تردید آن را برای رهایی خود از عذاب خواهند داد؛ آنان را حساب سختی است، و
جایگاهشان دوزخ است، و دوزخ بد بستری است. (۱۸)

أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ
أَعْمَىٰ ۚ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿١٩﴾

آیا کسی که می‌داند آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق
است، مانند کسی است که [از نظر باطن] نابیناست؟! فقط
خردمندان [بینادل] متذکر [حق] می‌شوند. (۱۹)

الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ ﴿٢٠﴾

همان کسانی که به عهد خدا [که همانا قرآن است] وفا

می کنند و پیمان را نمی شکنند. (۲۰)

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ
وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ﴿٢١﴾

و آنچه را خدا به پیوند آن فرمان داده پیوند، می دهند و از [عظمت
و جلال] پروردگارشان همواره در هراسند و از حساب سخت و
دشوار بیم دارند. (۲۱)

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ
وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ
السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٢﴾

و برای به دست آوردن خشنودی پروردگارشان [در برابر گناهان و انجام وظایف و حوادث]
شکیبایی ورزیدند، و نماز را بر پا داشتند، و بخشی از آنچه را روزی آنان کردیم در نهان و
آشکار انفاق نمودند، و همواره با نیکی [عبادت] زشتی و پلیدی [گناه] را دفع می کنند [و با
خوبی های خود نسبت به مردم، بدی های آنان را نسبت به خود برطرف می نمایند]، اینانند
که فرجام نیک آن سرای، ویژه آنان است. (۲۲)

جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ
وَذُرِّيَّتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿٢٣﴾

بهشت‌های جاویدی که آنان و پدران و همسران و فرزندان شایسته
و درست کارشان در آن وارد می‌شوند، و فرشتگان از هر دری بر
آنان درآیند. (۲۳)

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ ۖ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٤﴾

[و به آنان گویند:] سلام بر شما به پاس استقامت و صبرتان [در

برابر عبادت، معصیت و مصیبت] پس نیکوست فرجام این

سرای. (۲۴)

وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا
 أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ لَا أُولَئِكَ لَهُمُ
 اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿٢٥﴾

و کسانی که عهد خدا را پس از استوار کردنش می شکنند، و پیوندهایی را که
 خدا به برقراری آن فرمان داده می گسلند، و در زمین فساد می کنند، لعنت و
 فرجام بد و دشوار آن سرای برای آنان است. (۲۵)

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۚ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ
الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ ﴿٢٦﴾

خدا روزی را برای هر کس که بخواهد، وسعت می دهد و برای هر کس که بخواهد،
تنگ می گیرد. و [آنان که از حیات جاوید و پرنعمت آخرت بی خبرند] به زندگی
زودگذر دنیا شادمان شدند، در حالی که زندگی دنیا در برابر آخرت جز متاعی اندک و
ناچیز نیست. (۲۶)

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ
 اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنْابَ ﴿٢٧﴾

کافران می گویند: چرا معجزه ای [غیر قرآن] از سوی پروردگارش بر او نازل
 نشده؟ بگو: مسلماً خدا هر کس را بخواهد [پس از اتمام حجت] گمراه
 می کند و هر کس را که به سوی او بازگردد، هدایت می نماید. (۲۷)

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ
تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿٢٨﴾

[بازگشتگان به سوی خدا] کسانی [هستند] که ایمان آوردند و
دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه باشید! دل‌ها فقط به یاد
خدا آرام می‌گیرد. (۲۸)

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ

مَآبٍ ﴿٢٩﴾

کسانی که ایمان آوردند، و کارهای شایسته انجام دادند، برای آنان

زندگی خوش و با سعادت و بازگشتی نیک است. (۲۹)

كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِيَتْلُوَ
 عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ ۚ قُلْ هُوَ
 رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ ﴿٣٠﴾

آن گونه [که رسولان گذشته را ارسال کردیم] تو را در میان امتی که پیش از آن، امت‌هایی
 روزگار به پایان بردند، فرستادیم، تا آنچه را به تو وحی کردیم بر آنان بخوانی، در حالی که آنان
 [با روی گرداندن از وحی] به [خدای] رحمان کفر می‌ورزند. بگو: او پروردگار من است،
 معبودی جز او نیست، فقط بر او توکل کردم و بازگشتم فقط به سوی اوست. (۳۰)

وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ ۚ
 بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا ۚ أَفَلَمْ يَيْئَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ
 جَمِيعًا ۚ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُم بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا
 مِنْ دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿٣١﴾

و اگر قرآنی بود که به وسیله آن کوه‌ها به حرکت می‌آمدند، یا زمین پاره پاره می‌گشت، یا به وسیله آن با مردگان سخن گفته می‌شد [باز هم این کافران لجوج، ایمان نمی‌آورند، زیرا وقتی با مشاهده قرآن که بزرگ‌ترین معجزه است ایمان نیاورند با مشاهده هیچ معجزه‌ای ایمان نمی‌آورند! کار هدایت و ایمان اینان ارتباطی به معجزه ندارد] بلکه همه کارها فقط در اختیار خداست. پس آیا آنان که ایمان آورده‌اند، ندانسته‌اند که اگر خدا می‌خواست همه مردم را [از روی اجبار] هدایت می‌کرد؟! [ولی هدایت اجباری فاقد ارزش است] و همواره به کافران به کیفر آنچه که انجام دادند، حادثه‌ای کوبنده و بسیار سخت می‌رسد یا حادثه نزدیک خانه‌هایشان فرود می‌آید [که شهر و دیارشان و اطرافش را ناامن می‌کند] تا وعده [قطعی و نهایی] خدا [که شکست کامل کافران و عذاب آخرت است] فرا رسد؛ بی تردید خدا خلف وعده نمی‌کند. (۳۱)

وَلَقَدْ اسْتُهْزِيَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَمْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ
أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ﴿٣٢﴾

[فقط تو را مسخره نمی کنند] قطعاً پیامبرانی که پیش از تو بودند، مسخره شدند. پس به کافران مهلت دادم، سپس آنان را [به کیفر سخت] گرفتم، پس [یافتی که] مجازات و عذاب [من] چگونه بود؟ (۳۲)

أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ^{قُلْ} وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ
 قُلْ سَمُّوهُمْ ^ج أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بِظَاهِرٍ مِنْ
 الْقَوْلِ ^{قُلْ} بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ ^{قُلْ}
 وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٣﴾

آیا کسی که بر همه نفوس [جهانیان] با آنچه به دست آورده‌اند، مسلط و حاکم و نگهبان است [و همه تحولات وجود آنان را تا رساندنشان به سر منزل مقصود در اختیار دارد، مانند کسی است که مطلقاً این صفات را ندارد؟] ولی آنان [از روی جهل و نادانی] برای خدا شریکانی قرار داده‌اند! بگو: [ویژگی‌های آن شریکان را نام ببرید] تا روشن شود که آیا شایسته شریک قرار دادن برای خدا هستند؟! آیا خدا را از چیزی در روی زمین که آنها را شریک خود نمی‌شناسد، خبر می‌دهید؟ یا سخنی ظاهراً و پوچ و بی‌منطق است [که بر زبان خود می‌رانید؟!]. بلکه برای کافران نیرنگ و دروغشان آراسته شده، و از راه خدا بازداشته شده‌اند [تا آنجا که موجودات بی‌ارزش و بی‌اثر را شریکان حق پنداشته‌اند]؛ و هر که را خدا [به سبب از دست دادن لیاقتش] گمراه کند، او را هیچ هدایت‌کننده‌ای نخواهد بود. (۳۳)

لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ ۖ وَمَا
لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ﴿٣٤﴾

برای آنان در زندگی دنیا عذابی است، و مسلماً عذاب آخرت
سخت تر و پر مشقت تر است، و آنان را هیچ حافظ و نگه دارنده
ای [از عذاب خدا] نیست. (۳۴)

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ ۖ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
 الْأَنْهَارُ ۖ أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا ۚ تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا ۖ
 وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ ﴿٣٥﴾

صفت بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده [چنین است که] از زیر [درختان] آن
 نهرها جاری است، میوه‌ها و سایه اش همیشگی است. این عاقبت و فرجام کسانی
 است که [در همه امور زندگی] پرهیزکاری کردند و فرجام کافران آتش است. (۳۵)

وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ ۖ وَمِنَ
 الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ ۚ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ
 وَلَا أُشْرِكَ بِهِ ۚ إِلَيْهِ أَدْعُو وَإِلَيْهِ مَآبِ الْوَسِيلِ ﴿٣٦﴾

و کسانی که کتاب آسمانی به آنان عطا کردیم از آنچه بر تو نازل شده است،
 خوشحالند. و برخی از گروه‌ها [ی اهل کتاب] بخشی از آن را منکرند، بگو: من فرمان
 یافته‌ام که خدای یکتا را پرستم و شریکی برای او قرار ندهم، تنها به سوی او دعوت
 می‌کنم و بازگشتم فقط به سوی اوست. (۳۶)

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا ۚ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا
جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ ﴿٣٧﴾

و همان گونه [که پیش از این کتاب‌های آسمانی نازل کردیم] قرآن را فرمانی [گویا و]
روشن نازل نمودیم، و اگر از هواها و تمایلات آنان پس از دانشی که [مانند قرآن]
برایت آمده پیروی کنی، برای تو در برابر [عذاب] خدا هیچ یاور و نگه دارنده ای
نخواهد بود. (۳۷)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً
 وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ
 كِتَابٌ (۳۸)

و همانا پیش از تو پیامبرانی را فرستادیم، و برای آنان همسران و فرزندان قرار دادیم. و هیچ پیامبری را نسزد که معجزه ای بیاورد مگر به فرمان خدا. برای هر زمانی برنامه مقدر شده ای [ثبت] است. (۳۸)

يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ^ط وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ ﴿٣٩﴾

"خدا هر چه را بخواهد محو می کند و هر چه را بخواهد

ثابت و پابرجا می نماید، و "امّ الکتاب" نزد اوست" (۳۹)

وَإِنْ مَا نُرِيكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيْكَ فَإِنَّمَا
عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ ﴿٤٠﴾

و اگر پاره ای از عذاب‌ها را که به منکران وعده می‌دهیم به تو نشان دهیم [می‌بینی که بسیار سخت و دردناک است] یا اگر تو را [پیش از فرا رسیدن آن عذاب‌ها] قبض روح کنیم [در قیامت عذابشان را خواهی دید؛ در هر صورت] تنها وظیفه تو ابلاغ [وحی] است و حسابرسی بر عهده ماست. (۴۰)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا ۚ وَاللَّهُ
يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ ۚ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٤١﴾

آیا نمی دانند که ما همواره به زمین می پردازیم و از اطراف [و جوانب] آن [که ملت ها، اقوام، تمدن ها و دانشمندان] می کاهیم؟ و خدا حکم می کند؛ و هیچ بازدارنده ای برای حکمش نیست، و او در حسابرسی سریع است. (۴۱)

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا ۖ يَعْلَمُ مَا
تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ ۚ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٤٢﴾

کسانی که پیش از این کافران لجوج و منکران عنود بودند [در برابر حکومت و حکم خدا] مکر و نیرنگ کردند [ولی به هدفشان نرسیدند] چرا که همه تدبیرها و نقشه‌ها در اختیار خداست؛ زیرا او هر کاری را هر کس انجام می‌دهد، می‌داند [به همین سبب مکر و نیرنگ هر کس را با تدبیر و نقشه حکیمانه اش باطل و نابود می‌کند] و کافران و منکران به زودی خواهند دانست که فرجام [نیک و بد] سرایِ دیگر برای کیست؟ (۴۲)

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا ۚ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا
 بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ ﴿٤٣﴾

کافران می گویند: تو فرستاده [خدا] نیستی. بگو: کافی است که خدا [با آیات محکم و
 استوار قرآنش] و کسی [چون امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب] که دانش کتاب نزد
 اوست، میان من و شما [نسبت به پیامبری ام] گواه باشند. (۴۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ
النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ
الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.
الر [این] کتابی است که آن را بر تو نازل کردیم تا مردم را به اجازه
پروردگارشان از تاریکی ها [یِ جهل، گمراهی و طغیان] به سوی روشنایی
[معرفت، عدالت و ایمان و در حقیقت] به سوی راه [خدای] توانای شکست
ناپذیر و ستوده بیرون آوری. (۱)

اللّٰهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۖ وَوَيْلٌ
لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٢﴾

خدایی که آنچه در آسمان‌ها و زمین است، در سیطره مالکیت و
فرمانروایی اوست؛ و وای بر کافران از عذابی سخت. (۲)

الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ
سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا ۖ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿٣﴾

همانان که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می دهند و [مردم را] از
راه خدا باز می دارند و می خواهند آن را [با وسوسه و اغواگری]
کج نشان دهند؛ اینان در گمراهی دوری هستند. (۳)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ^ط فَيُضِلُّ
اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ^ج وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٤﴾

و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا [بتواند به وسیله آن زبان، پیام وحی را به روشنی] برای آنان بیان کند. پس خدا هر کس را بخواهد [به کیفر لجاجت و عنادش] گمراه می کند، و هر کس را بخواهد، هدایت می نماید، و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۴)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ
إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ
صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٥﴾

و همانا موسی را با نشانه‌های خود فرستادیم [و به او وحی کردیم] که قوم خود را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آور و روزهای خدا را [که روزهای رحمت، عذاب، پیروزی و شکست است] به آنان یادآوری کن، بی تردید در این روزهای خدا برای هر شکیبای سپاس‌گزاری نشانه‌هایی [از توحید، ربوبیت و قدرت خدا] است. (۵)

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ
أَلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ
وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ۚ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٦﴾

و [یاد کن] زمانی را که موسی به قومش گفت: نعمت خدا را بر خودتان به یاد آورید،
آنگاه که شما را از [چنگال] فرعونیان رهایی بخشید، [همانان] که پیوسته شما را
شکنجه سخت می دادند، و پسرانتان را سر می بریدند، و زنانتان را [برای بیگاری] زنده
می گذاشتند، و در این [حوادث] آزمایش بزرگی از سوی پروردگارتان بود. (۶)

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ
عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿٧﴾

و [نیز یاد کنید] هنگامی را که پروردگارتان اعلام کرد که اگر
سپاس گزاری کنید، قطعاً [نعمت] خود را بر شما می افزایم، و اگر
ناسپاسی کنید، بی تردید عذابم سخت است. (۷)

وَقَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا
فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٨﴾

و موسی [به بنی اسرائیل] گفت: اگر شما و همه مردم روی زمین
کافر شوید [زیانی به خدا نمی‌رسد]؛ زیرا خدا بی نیاز و ستوده
است. (۸)

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ ۚ وَالَّذِينَ مِنْ
بَعْدِهِمْ ۚ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ ۚ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي
أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا
إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿٩﴾

آیا خبر [پندآموز] کسانی که پیش از شما بودند، به شما نرسیده؟ [خبر] قوم نوح و عاد و
ثمود و آنان که پس از ایشان بودند که جز خدا از آنان آگاه نیست، [همه آنان اقوامی بودند
که] پیامبرانشان برای آنان دلایل روشن آوردند، ولی آنان دست‌هایشان را [به عنوان
اعتراض، استهزا، تحقیر کردن و پاسخ ندادن به دعوت پیامبران] در دهان‌هایشان بردند و
گفتند: مسلماً ما به آن رسالتی که شما به آن فرستاده شده‌اید، کافریم و نسبت به آنچه ما را
به آن دعوت می‌کنید، به شدت در شک و تردیدیم!! (۹)

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا

فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿١٠﴾

پیامبرانشان گفتند: آیا در خدا که آفریننده آسمانها و زمین است، شکی هست؟ او شما را دعوت [به ایمان] می کند تا همه گناهانتان را بیامرزد، و شما را تا زمان معین [عمرتان] مهلت می دهد. پاسخ دادند: شما بشرهایی مانند ما هستید که می خواهید ما را از معبودهایی که پدرانمان می پرستیدند باز دارید؛ پس [شما] دلیل روشنی [بر اثبات رسالت خود که مورد پسند ما باشد] بیاورید. (۱۰)

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَى
مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۖ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ
اللَّهِ ۚ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾

پیامبران‌شان به آنان گفتند: یقینی است که ما بشری مانند شما هستیم، ولی خدا به هر
کس از بندگان‌ش که بخواهد [با عطا کردن مقام نبوت] منت می‌نهد و ما را نسزد که جز
به اجازه خدا معجزه ای برای شما بیاوریم، و باید مؤمنان فقط بر خدا توکل کنند. (۱۱)

وَمَا لَنَا إِلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا ۚ وَلَنَصْبِرَنَّ
عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا ۚ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿١٢﴾

و ما را چه عذر و بهانه ای است که بر خدا توکل نکنیم، در حالی که ما را به راه‌های
[خوشبختی و سعادت] مان هدایت کرد، و قطعاً بر آزاری که [در راه دعوت به توحید]
از ناحیه شما به ما می‌رسد، شکیبایی می‌ورزیم، پس باید توکل کنندگان فقط بر خدا
توکل کنند. (۱۲)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ
لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا ۖ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ
الظَّالِمِينَ ﴿١٣﴾

ولی کفرپیشگان به پیامبرانشان گفتند: مسلماً ما شما را از سرزمین خود بیرون خواهیم کرد، مگر اینکه هم کیش ما شوید. پس پروردگارشان به آنان وحی کرد: ما قطعاً ستمکاران را نابود می‌کنیم. (۱۳)

وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ۚ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي
وَخَافَ وَعِيدِ ﴿١٤﴾

و یقیناً شما را پس از آنان در آن سرزمین ساکن خواهیم کرد. این
[لطف و رحمت] ویژه کسی است که از مقام من بترسد، و از
تهدید [به عذابم] بیم داشته باشد. (۱۴)

وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿١٥﴾

و پیامبران [از خدا] درخواست گشایش و پیروزی کردند، و
هر سرکش منحرفی [از رسیدن به هدفش] نومید شد. (۱۵)

مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ ﴿١٦﴾

[سرانجام] پیش روی او دوزخ است، و او را از آبی چرکین و

متعفن می نوشانند!! (۱۶)

يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ
وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ^ط وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ ﴿١٧﴾

آن را [به سختی و مشقت] جرعه جرعه می نوشد، [و به خواست خود حاضر به نوشیدن نیست، بلکه به زور و جبر در گلویش می ریزند،] و [او] نمی تواند آن را به [آسانی] فرو برد، و مرگ از هر طرف به او رو می کند، ولی مردنی نیست، و عذابی سخت و انبوه به دنبال اوست. (۱۷)

مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ^ط أَغْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ
الرَّيْحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ^ط لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى
شَيْءٍ^ج ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ﴿١٨﴾

وصف حال کسانی که به پروردگارشان کافر شدند [این گونه است] اعمالشان مانند خاکستری است که در یک روز توفانی، تند بادی بر آن بوزد [و آن را به صورتی که هرگز نتوان جمع کرد، پراکنده کند] آنان نمی‌توانند از اعمال خیری که انجام داده‌اند، چیزی [برای ارائه به بازار قیامت جهت کسب ثواب و پاداش] به دست آورند؛ این است آن گمراهی دور. (۱۸)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ إِنَّ يَشَأْ
يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٩﴾

[ای انسان!] آیا [به طور قطع و یقین] ندانسته ای که خدا آسمان‌ها
و زمین را بر پایه درستی و راستی و نظم و حساب آفرید؟ اگر
بخواهد شما را از میان می‌برد، و خلقی جدید می‌آورد. (۱۹)

وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بَعِزٌ ﴿٢٠﴾

و این [کار] بر خدا دشوار و گران نیست. (۲۰)

وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۚ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهْدَيْنَاكُمْ ۖ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرُ عَنَّا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ

مَحِصٍ ﴿٢١﴾

و [در عرصه قیامت] همگی در پیشگاه خدا ظاهر می شوند؛ پس ناتوانان [ی که بدون به کار گرفتن عقل، بلکه از روی تقلید کورکورانه پیرو مستکبران بودند] به مستکبران می گویند: ما [در دنیا بدون درخواست دلیل و برهان] پیرو [مکتب] شما بودیم، آیا امروز چیزی از عذاب خدا را [به پاداش آنکه از شما پیروی کردیم] از ما برطرف می کنید؟ می گویند: اگر خدا ما را [در صورت داشتن لیاقت] هدایت کرده بود، همانا ما هم شما را هدایت می کردیم، [اکنون همه سرمایه های وجودی ما و تلاش و کوششمان بر باد رفته] چه بیتیابی کنیم و چه شکیبایی ورزیم، برای ما یکسان است، ما را هیچ راه گریزی نیست. (۲۱)

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٢﴾

و شیطان [در قیامت] هنگامی که کار [محاسبه بندگان] پایان یافته [به پیروانش] می گوید: یقیناً خدا [نسبت به برپایی قیامت، حساب بندگان، پاداش و عذاب] به شما وعده حق داد، و من به شما وعده دادم [که آنچه خدا وعده داده، دروغ است، ولی می بینید که وعده خدا تحقق یافت] و [من] در وعده ام نسبت به شما وفا نکردم، مرا بر شما هیچ غلبه و تسلطی نبود، فقط شما را دعوت کردم [به دعوتی دروغ و بی پایه] و شما هم [بدون اندیشه و دقت دعوتم را] پذیرفتید، پس سرزنشم نکنید، بلکه خود را سرزنش کنید، نه من فریادرس شمایم، و نه شما فریادرس من، بی تردید من نسبت به شرک ورزی شما که در دنیا درباره من داشتید [که اطاعت از من را هم چون اطاعت خدا قرار دادید] بیزار و منکرم؛ یقیناً برای ستمکاران عذابی دردناک است. (۲۲)

وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ^ط تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا
سَلَامٌ ﴿٢٣﴾

و کسانی را که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، به بهشت‌هایی درآورند، که
از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آنجا به اجازه پروردگارشان جاودانه‌اند، و در
آنجا درود [خدا و فرشتگان] بر آنان، سلام است. (۲۳)

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ
أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ﴿٢٤﴾

آیا ندانستی که خدا چگونه مثلی زده است؟ کلمه پاک [که اعتقاد
واقعی به توحید است] مانند درخت پاک است، ریشه اش استوار
و پابرجا و شاخه اش در آسمان است. (۲۴)

تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ
لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٥﴾

میوه اش را به اجازه پروردگارش در هر زمانی می دهد. و خدا
مَثَل ها را برای مردم می زند تا متذکر حقایق شوند. (۲۵)

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ
الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ﴿٢٦﴾

و مثل کلمه ناپاک [که عقاید باطل و بی پایه است] مانند درخت ناپاک
است که از زمین ریشه کن شده و هیچ قرار و ثباتی ندارد. (۲۶)

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي
الْآخِرَةِ ۖ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ ۚ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ﴿٢٧﴾

خدا مؤمنان را به سبب اعتقاد و ایمانشان در زندگی دنیا و آخرت ثابت قدم و پابرجا
می‌دارد، و خدا ستمکاران [به آیاتش] را [به علت لجابت و عنادشان] گمراه می‌کند، و
خدا هر چه بخواهد [بر اساس حکمتش] انجام می‌دهد. (۲۷)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ
دَارَ الْبَوَارِ ﴿٢٨﴾

آیا کسانی را که [شکر] نعمت خدا را به کفران و ناسپاسی تبدیل کردند و
قوم خود را به سرای نابودی و هلاکت درآوردند، ندیدی؟ (۲۸)

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا^ط وَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿٢٩﴾

[سرای نابودی و هلاکت، همان] دوزخی است که در آن

وارد می شوند، و بد قرارگاهی است. (۲۹)

وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِّيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ ۚ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ
مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ ﴿٣٠﴾

و برای خدا همتایانی قرار دادند تا مردم را از راه او گمراه کنند؛
بگو: [چند روزی از زندگی زودگذر دنیا] برخوردار شوید، ولی
یقیناً بازگشت شما به سوی آتش است. (۳۰)

قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا
رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ
وَلَا خِلَالَ * (۳۱) *

به بندگان مؤمنم بگو: نماز را بر پا دارند، و از آنچه روزی آنان
کرده ایم، پنهان و آشکار، انفاق کنند، پیش از آنکه روزی فرا رسد
که در آن نه داد و ستدی است و نه پیوند دوستی و رفاقت. (۳۱)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ
مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ
لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ ﴿٣٢﴾

خداست که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و از آسمان آبی نازل کرد، و برای شما به وسیله
آن از محصولات و میوه‌های گوناگون روزی بیرون آورد، و کشتی‌ها را مسخر شما قرار
داد تا به فرمان او در دریا روان شوند، و نیز نهرها را مسخر شما کرد. (۳۲)

وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ
وَالنَّهَارَ ﴿۳۳﴾

و خورشید و ماه را که همواره با برنامه ای حساب شده در کارند،
رام شما نمود و شب و روز را نیز مسخر شما ساخت. (۳۳)

وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ^ج وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا^ق إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ﴿٣٤﴾

و از هر چیزی که [به سبب نیازتان به آن] از او خواستید، به شما عطا کرد. و اگر نعمت‌های خدا را شماره کنید، هرگز نمی‌توانید آنها را به شماره آورید. مسلماً انسان بسیار ستمکار و ناسپاس است. (۳۴)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ
أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ ﴿٣٥﴾

و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا! این شهر
[مکه] را منطقه ای امن قرار ده و من و فرزندانم را از پرستش
بت‌ها دور بدار. (۳۵)

رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ ۖ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ
مِنِّي ۖ وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣٦﴾

پروردگارا! آن [بت]ها بسیاری از مردم را گمراه کردند، پس هر کسی از من [که]
یکتاپرست و حق گرایم] پیروی کند، یقیناً از من است، و هر کس از من نافرمانی کند
[شایسته شدنش برای آمرزش و رحمت بسته به عنایت توست] زیرا تو بسیار آمرزنده و
مهربانی. (۳۶)

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ
الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي
إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ﴿٣٧﴾

پروردگارا! من برخی از فرزندانم را در درّه ای بی کشت و زرع نزد خانه محترم
سکونت دادم؛ پروردگارا! برای اینکه نماز را بر پا دارند؛ پس دل‌های گروهی از مردم را
به سوی آنان علاقمند و متمایل کن، و آنان را از انواع محصولات و میوه‌ها روزی
بخش، باشد که سپاس‌گزاری کنند. (۳۷)

رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ^ق وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ
مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿٣٨﴾

پروردگارا! یقیناً تو آنچه را ما پنهان می داریم و آنچه را آشکار
می کنیم، می دانی و هیچ چیز در زمین و آسمان بر خدا پنهان
نیست. (۳۸)

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ
إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٣٩﴾

همه ستایش‌ها و ویژه‌خدایی است که اسماعیل و اسحاق را در سنّ
پیری به من بخشید؛ یقیناً پروردگارم شنونده دعاست. (۳۹)

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ
دُعَاءِ ﴿٤٠﴾

پروردگارا! مرا بر پادارنده نماز قرار ده، و نیز از فرزندانم
[برپادارندگان نماز قرار ده]. و پروردگارا! دعایم را بپذیر. (۴۰)

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ
الْحِسَابُ ﴿٤١﴾

پروردگارا! روزی که حساب برپا می شود، مرا و پدر و مادرم
و مؤمنان را بیامرز. (۴۱)

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ ۚ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ﴿٤٢﴾

و خدا را از آنچه ستمکاران انجام می دهند، بی خبر مپندار؛
مسلماناً [کیفر] آنان را برای روزی که چشم ها در آن خیره می شود،
به تأخیر می اندازد. (۴۲)

مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ^ط
وَأَفْنَدْتُهُمُ هَوَاءً * (۴۳) *

[ترسان به سوی دادگاه قیامت] شتابانند، سرهایشان را بالا گرفته [و دیدگان‌شان ذلیلانه
به برنامه‌های محشر دوخته شده] تا جایی که پلک‌هایشان به هم نمی‌خورد، و
دل‌هایشان [از بیم عذاب فرو ریخته و از تدبیر و چاره جویی] تهی است. (۴۳)

وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا
أَخْرَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبْ دَعْوَتَكَ وَتَتَّبِعِ الرَّسُولَ ۖ أَوَلَمْ
تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِّنْ قَبْلُ مَا لَكُم مِّنْ زَوَالٍ ﴿٤٤﴾

و مردم را از روزی که عذاب به سویشان می آید، هشدار ده. پس کسانی که ستم
ورزیده اند، می گویند: پروردگارا! ما را تا [سرآمدی نزدیک؟ و] مدتی کوتاه مهلت ده تا
دعوت را اجابت کنیم، و از پیامبرانت پیروی نماییم. [ولی به آنان گویند:] شما نبودید
که پیش از این سوگند یاد می کردید که هرگز برای شما زوال و فنا نیست؟! (۴۴)

وَسَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ
فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ ﴿٤٥﴾

و در مساکن کسانی که به خود ستم کردند، ساکن شدید، در صورتی که برای شما روشن و آشکار است که ما با آنان [به سبب ستم‌هایشان] چه کردیم و برای شما مثال‌ها [ی‌پندآموزی از جامعه‌هایی که به وسیله عذاب نابود شدند] ذکر کردیم. (۴۵)

وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ
لِتَرْوِلَ مِنْهُ الْجِبَالُ ﴿٤٦﴾

و آنان [نهایت] نیرنگشان را [بر ضدّ خدا و پیامبران] به کار
گرفتند، و [کیفر عقوبت دنیایی و آخرتی] نیرنگشان نزد خداست
و هر چند که از نیرنگشان کوه‌ها از جا کنده شود. (۴۶)

فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفًا وَعْدِهِ رُسُلُهُ ^{قُلْ} إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو
اِنْتِقَامٍ ﴿٤٧﴾

پس مپندار که خدا در وعده اش با پیامبرانش وفا نمی کند؛ زیرا
خدا توانای شکست ناپذیر و صاحب انتقام است. (۴۷)

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ ^صوَبَرَزُوا لِلَّهِ
الْوَّاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿٤٨﴾

[در] روزی که زمین به غیر این زمین، و آسمانها [به غیر این
آسمانها] تبدیل شود، و [همه] در پیشگاه خدای یگانه قهار
حاضر شوند. (۴۸)

وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿٤٩﴾

و آن روز مجرمان را می بینی که در زنجیرها [به صورتی

محکم و سخت] به هم بسته شده اند. (۴۹)

سَرَابِيلُهُمْ مِنْ قَطَرَانٍ وَتَغْشَىٰ وُجُوهُهُمْ النَّارُ ﴿٥٠﴾

پیراهن‌هایشان از قطران [ماده‌ای متعفن، قابل اشتعال و بدبو] است، و آتش چهره‌هایشان را می‌پوشاند. (۵۰)

لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ ۖ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ
الْحِسَابِ ﴿٥١﴾

تا [به این کیفیت] خدا هر کس را [به سبب] آنچه انجام داده
کیفر دهد؛ یقیناً خدا حسابرسی سریع است. (۵۱)

هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنْذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌُ وَاحِدٌ
وَلِيَذْكُرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٥٢﴾

این [قرآن یا آنچه در این سوره است] پیامی برای [همه] مردم است، برای آنکه به وسیله آن هشدار داده شوند، و [با تدبّر در آیاتش] بدانند که او معبودی یگانه و یکتاست، و تا خردمندان، متذکّر [حقایق و معارف الهیه] شوند. (۵۲)